

عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ **المغنی و الشرح الكبير**: عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ق.) و عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **مفردات**: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ **مکارم الاخلاق**: الطبرسی (م. ۵۴۸)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۲ق؛ **من لا یحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **الموطأ**: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ **نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار**: سید علی الحسینی المیلانی، قم، ۱۳۷۸ش؛ **نهاية الاحکام**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش رجائی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق؛ **نیل الاوطار**: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل‌البیت، ۱۴۱۲ق.

سید جعفر صادقی فدکی



آویزه‌های کعبه: اشیای قیمتی و اسناد

مهم آویخته بر کعبه

از دیرباز کعبه برای مردمان دور و نزدیک محترم بوده است. از این رو، هدایایی بسیار را به آن تقدیم و اسناد مهمی را در آن نگهداری می‌کردند. پرده‌داران کعبه برخی از این هدایا و اسناد را به دیوارهای داخلی و خارجی آن می‌آویختند. این اشیا از اسناد مهم تاریخی به

شمار می‌آیند. (تصویر شماره ۷)

◀ **هدایای قیمتی**: ۱. کهن‌ترین آویزه کعبه را دو شاخ قوچی دانسته‌اند که خداوند به جای ذبح اسماعیل علیه السلام برای حضرت ابراهیم علیه السلام فرستاد. در فتح مکه پس از پاکسازی کعبه از بت‌ها و تمثال‌ها، این دو شاخ به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماند. در جریان بازسازی کعبه در زمان ابن زبیر* به سال ۶۴ق. این شاخ‌ها بر اثر فرسودگی بسیار متلاشی شد، هرچند برخی گزارش‌ها از ماندن آن تا زمان حمله قرامطه* به مکه و غارت گوه‌های کعبه در سال ۳۱۶ق. یاد می‌کنند.^۲ مسعودی ایرانیان را نخستین کسانی دانسته که اموال و گوه‌هایی به کعبه هدیه کردند.^۳

۲. دو آهوی زرین که عبدالملک جد پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حفر چاه زمزم یافت و بر در کعبه آویخت. بر پایه گزارشی، این دو آهو را ساسان پسر بابک ساسانی به کعبه هدیه کرده بود و هنگامی که قبیله خزاعه، جرهمیان را از مکه بیرون راند و پرده‌داری کعبه را از آنان گرفت، این دو آهو را دفن کردند.^۴ این آهوان را نخستین زیور طلای کعبه دانسته‌اند.^۵

۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

۳. مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۶۵؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. الطبقات، ج ۱، ص ۶۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۶۵؛ تاریخ

ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۰۳.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۲۷.

داده بود.^۶

۹. یاقوت اهدایی مأمون، هفتمین خلیفه عباسی، با وزنی نزدیک به سه مثقال.^۷ این یاقوت که برای آویختن به کعبه فرستاده شده بود، هر سال در موسم حج با زنجیری از طلا مقابل در کعبه آویخته می‌شد.^۸ سپس آن را همراه زنجیر اهدایی متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷ق.) در روز ششم ذی‌حجه پیش روی در کعبه می‌آویختند و روز ترویه برمی‌داشتند.^۹

۱۰. شمسه‌ای طلایی که دُرهای گرانبها همراه یاقوتی پرارزش و نیز زبرجد در زمینه آن قرار داشت و زنجیری بر آن بود. این شمسه که متوکل آن را به کعبه هدیه کرده بود، همه ساله در جلو کعبه آویخته می‌شد.^{۱۰}

۱۱. طوقی طلایی که در آن ۱۰۰ مثقال طلا به کار رفته و با زمرد و یاقوت و الماس و یک نگین یاقوت سبز ۲۴ مثقالی آراسته شده بود. این طوق را یکی از پادشاهان سبند پس از مسلمان شدن برای کعبه فرستاد که به فرمان معتمد عباسی در سال ۲۵۹ق. آویخته شد.^{۱۱}

۳. شمشیرهایی از جنس قلع که همراه آهوه‌های زرین دفن شده بودند و بر پایه گزارشی عبدالمطلب آن‌ها را نیز بر در کعبه آویخت.^۱

۴. دو هلال زرین که پس از فتح مدائن به سال ۱۶ق. برای خلیفه دوم عمر بن خطاب فرستاده شد و او آن‌ها را در کعبه آویخت.^۲

۵. دو شمسه و دو کاسه بلورین که عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه اموی، آن‌ها را به کعبه هدیه کرد.^۳

۶. سینی سبز رنگ که ابوالعباس سفاح، خلیفه عباسی، به کعبه هدیه کرد و بر آن آویخته شد.^۴

۷. جام شیشه‌ای معروف به جام فرعون که ابوجعفر، برادر منصور عباسی، برای کعبه فرستاد.^۵

۸. قفل طلایی که در آن ۱۰۰۰ مثقال طلا بود و به در کعبه آویخته می‌شد. طاهر بن عبدالله بن طاهر در سال ۲۱۹ق. همراه گروه بسیاری از لشکریان، این قفل را به مکه آورد و جایگزین قفل پیشین کرد. این قفل طلاکاری داشت و گفته‌اند حجاج دستور ساخت آن را

۶. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۴.

۷. اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۲۳۶؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۸. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۲۳۶.

۹. اتعاط الحنفاء، ج ۱، ص ۱۴۱.

۱۰. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۱۱. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۵.

۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۶۹.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۴؛ منافع الکرم، ج ۱، ص ۵۲۶؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۳. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۴؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ البلدان، ص ۷۷؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۵. البلدان، ص ۹۷؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۱۷. دو حلقه طلائی مزین به لؤلؤ و لعل، هر یک به وزن ۱۰۰۰ مثقال که در هر حلقه، شش مروارید گرانها و در میان آنها شش لعل قیمتی وجود داشت. این حلقه‌ها را علی شاه، وزیر سلطان ابوسعید خداپنده، همراه حاجی مولا واخ در سال ۷۱۸ق. به کعبه آورد و اجازه یافت که پس از اندک زمانی آنها را بر در کعبه بیاویزد. اندکی بعد رُمیَّة بن ابی نُمی، امیر مکه از آل قتاده، آنها را برای خود تصاحب کرد.^۶

۱۸. چهار قندیل بزرگ، دو تا از طلا و دو تا از نقره که سلطان شیخ اویس، حاکم بغداد، آنها را در دهه هفتم سده هشتم هدیه داد. این قندیل‌ها مدتی کوتاه آویخته شدند. سپس آنها را برداشتند و عَجَلان بن رمیثه، امیر مکه، آنها را تصاحب نمود.^۷

۱۹. دو شمعدان طلائی مرصع با سنگ‌های قیمتی که سلطان سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی، آنها را به کعبه هدیه کرد.^۸

۲۰. سه قندیل مرصع با جواهر که گفته‌اند سلطان مراد عثمانی در سال ۹۸۴ق. به کعبه هدیه کرد.^۹ دو قندیل را به سقف کعبه و سومی را در حجره شریف نبوی آویختند.^{۱۰}

۱۲. محفظه‌ای از نقره حاوی بیعت‌نامه جعفر بن معتمد و برادرش ابواحمد موفق. در این محفظه که دارای ۳۵۰ درهم نقره بود، نامه و نوشته‌هایی قرار داشت و در قسمت پیشین آن، سه روزنه بود که از آنها زنجیره‌های نقره‌ای آویخته بودند. این محفظه در صفر سال ۲۶۲ق. آویخته شد.^۱

۱۳. قندیل‌هایی که المطیع لله عباسی در سال ۳۵۹ق. هدیه کرد و همگی نقره و تنها یکی از آنها به وزن ۶۰۰ مثقال از طلا بود.^۲

۱۴. محراب‌های دارای منبت‌کاری، اهدا شده از امیر عمان در سال ۴۲۰ق. که وزن هر یک از آنها بیش از یک قنطار (حدود ۵۰۰ کیلو گرم) بود. این محراب‌ها همراه قندیل‌هایی درون کعبه بر دیوار مقابل در آن نصب شدند.^۳

۱۵. قندیل‌های طلا و نقره که ملک منصور عمر بن علی بن رسول، حاکم یمن، در سال ۶۳۲ق. به کعبه هدیه کرد.^۴

۱۶. چهار قندیل طلا که حاکم بغداد در سال ۷۱۲ق. هدیه نمود.^۵

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تاریخ مکه، ص ۲۷۷؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. المسالك و الممالك، ج ۱، ص ۳۷۰؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۰.

۵. تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۱.

۶. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۱.

۷. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۸. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۴۷۴؛ سفرنامه حجاز، ص ۲۳۰.

۹. تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۱؛ التاريخ القويم، ج ۳، ص ۴۷۴.

۱۰. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ الاعلام، ج ۱، ص ۹۸-۹۹.

۲۱. به نقل فاسی (م. ۸۳۲ق.). قندیل‌های باقی مانده در زمان او ۱۶ قندیل بود؛ شامل سه قندیل نقره، یک قندیل طلا، یک قندیل بلور، دو قندیل مس و بقیه که از آبگینه حلب ساخته شده بود. بسیاری از این قندیل‌ها را افراد عادی به کعبه هدیه کرده بودند.^۱

آویزه‌های کعبه مانند دیگر هدایای آن، در طول تاریخ بارها غارت شد.^۲ از جمله به سال ۳۱۷ق. قرامطه در حمله به مسجدالحرام همه زینت‌ها و ذخایر کعبه را غارت کردند.^۳ محمد بن جعفر معروف به ابن ابی‌هاشم حسنی، امیر مکه، در سال ۴۶۲ق. قندیل‌ها، پرده‌ها و ورق طلا و نقره درهای کعبه را به دلیل نرسیدن مقرری سالیانه از سوی مستنصر فاطمی، حاکم مصر، برداشت.^۴ حسن بن جعفر علوی پس از خروج بر خلیفه عباسی، الحاکم بالله، زینت‌های کعبه را برداشت و با آن‌ها به ضرب دینار و درهم پرداخت و برای لشکریان خود هزینه کرد.^۵ امیر مکه، رمیثه بن ابی‌ثمی از آل قتاده، و پسرش عجلان که پس از او امیر مکه شد، بسیاری از این هدایا را برای خود

تصاحب کردند.^۶ این در حالی است که پیامبر اکرم ﷺ اجازه استفاده از این هدایا را حتی در جهاد برابر دشمنان اسلام نداد.^۷ نیز هنگامی که عمر بن خطاب به پیشنهاد برخی می‌خواست زیورهای کعبه را برای جهاد هزینه کند، امام علی علیه السلام او را از این کار بازداشت.^۸ هر چند همه فقیهان به این موضوع نپرداخته‌اند، حرمت استفاده از زیورهای کعبه در کارهای دیگر را می‌توان در برخی فتواها یافت.^۹

◀ **اسناد:** ۱. متن پیمان‌نامه تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم از سوی قریش در فاصله سال‌های هفتم تا دهم بعثت.^{۱۰}
 ۲. معلقات سبع، مجموعه‌ای از برجسته‌ترین شعرهای عرب عصر جاهلی، که به نشان ارزش آن‌ها و برای محفوظ ماندن، درون کعبه آویخته شده بود.^{۱۱}
 ۳. پیمان ولایت‌عهدی امین و مأمون از سوی پدرشان هارون. پس از بروز اختلاف میان امین و مأمون، فضل بن ربیع در روزگار

۶ نک: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۷ اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ منافع الکریم، ج ۱، ص ۲۸۱.

۸ شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۵۸؛ مناقب، ج ۲، ص ۱۸۹؛ نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۵.

۹ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۵۲۵؛ منافع الکریم، ج ۱، ص ۲۸۲.

۱۰ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۵۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۰.

۱۱ البداية والنهایه، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱،

۱. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. الاعلام، ص ۹۷-۹۸.

۳. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۱۱۹؛ المنتظم، ج ۱۳، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ البداية والنهایه، ج ۱۱، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۴. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۸.

خلافت امین، آن بیعت‌نامه را پاره کرد.^۱ بر پایه برخی گزارش‌ها، از آن پس هر یک از پادشاهان که افتخار خدمت به بیت‌الله الحرام را می‌یافت، لوحه‌ای را که در آن نام سلطان همراه زمان خدمتش به بیت را نوشته بودند، به یادگار بر دیوار درونی کعبه می‌آویخت.^۲ از دیگر اسناد، پیمان‌نامه ولایت‌عهدی معتمد عباسی برای فرزند و برادرش بود.^۳ این‌گونه پیمان‌نامه‌ها پس از پایان دوره تاریخی خود، از کعبه بیرون برده می‌شدند.^۴

۴. لوح‌های یادمان توسعه و ترمیم‌های کعبه و مسجدالحرام از سوی خلفا، امیران و پادشاهان. آخرین این لوح‌ها، یادمان توسعه حرم در دوران فهد است که تاریخ ۱۴۱۶ق. را بر خود دارد.^۵

سفرنامه‌هایی که پیش از سلطه وهابیان بر حرمین تدوین شده‌اند، از وجود بسیاری از این اموال و اشیای قیمتی در کعبه خیر می‌دهند؛ از جمله شمار بسیاری از قندیل‌هایی که میان ستون‌های کعبه، بر سقف آویخته بودند.^۶ این اشیاء در دوره اخیر مفقود گشته و تنها اشیایی

کم ارزش از قبیل آفتابه، لگن و قهوه‌خوری به عنوان عتیقه‌های خانه کعبه، در آن نگهداری می‌شود.^۷

◀ منابع

اتعاض الحنفا باخبار الائمة الفاطميين: المقريزي (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش الشيبالي، القاهرة، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، ۱۴۱۶ق؛ اخبار مکه: الازرقى (م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدی الصالح، مکه، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اخبار مکه: الفاكهي (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش ابن‌دهيش، بيروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ الاعلام باعلام بيت‌الله الحرام: محمد بن احمد النهروالي (م. ۹۹۰ق.)، مکه، المكتبة التجارية، ۱۴۱۶ق؛ انساب الاشراف: البلاذري (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش زكار، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ البداية والنهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف؛ البلدان: ابن الفقيه (م. ۳۶۵ق.)، به كوشش يوسف الهادي، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۱۶ق؛ تاريخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به كوشش خليل شحاده، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ تاريخ طبري (تاريخ الامم و الملوك): الطبري (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ التاريخ القويم: محمد طاهر الكردي، به كوشش عبدالملك دهيش، بيروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاريخ مکه: احمد السباعي (م. ۱۴۰۴ق.)، نادي مكة الثقافي، ۱۴۰۴ق؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به كوشش ابن دهيش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ سفرنامه ايازخان: قشقايي (م. ۱۳۵۸ق.)، به كوشش شاکري،

۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۳۵، ۲۴۱-۲۴۱: الاعلام، ص ۹۷.

۲. سفرنامه حجاز، ص ۲۴۴.

۳. تاريخ طبري، ج ۹، ص ۵۱۴: المنتظم، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

۴. مکه و مدینه تصویری از توسعه، ص ۶۲.

۵. مکه و مدینه تصویری از توسعه، ص ۶۲.

۶. سفرنامه میرزا داود، ص ۱۲۴: سفرنامه قشقایی، ص ۱۰۸-۱۰۹.

سفرنامه حجاز، ص ۲۳۰.

۷. کعبه و جامه آن، ص ۷۲: میقات حج، ش ۱۸، ص ۱۹۶، «درون کعبه از دو دیوار».

(فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نهج البلاغه: الرضی، (م ۴۰۶ق.)، به کوشش عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ق.

گروه تاریخ ۲ و احمد رضا حسین‌زاده



آهنگ حجاز: شرح زندگی و آثار و

سفرهای آیت الله سید فضل‌الله حجازی، به کوشش سید علیرضا حجازی

این کتاب شرح زندگی، آثار و سفرهای سید فضل‌الله حجازی است که یک سفرنامه حج از وی با نام *الرحلة الحجازیه* و سفرنامه‌ای دیگر از سید علیرضا حجازی با عنوان *شاهدی از حج خونین* را در خود دارد. هر دو سفرنامه به زبان فارسی‌اند. بخش‌های دیگر کتاب شامل زندگی‌نامه، اشعار و سروده‌ها، سفرنامه عتبات سید فضل‌الله و تصاویری از نویسندگان سفرنامه‌ها و برخی اشخاص دیگر است.

◀ الرحلة الحجازیه: سید فضل‌الله

حجازی (۱۳۱۸-۱۳۸۷ق.) از عالمان بزرگ شهرضا (قمشه) و مؤسس حوزه علمیه این شهر بوده است. (ص ۴-۵) وی نزدیک به ۳۰ سال در شهرهای اصفهان، قم و مشهد (ص ۱) در حضور علمایی همچون سید مهدی زدریچه، آقا رحیم ارباب (ص ۱۴) و آیت‌الله خوانساری به تحصیل علوم دینی پرداخت و در سال

تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش؛ *سفرنامه حجاز*: محمد لبیب البتنونی، ترجمه: انصاری، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ *سفرنامه میرزا داود*: وزیر معارف: داود بن علینقی (م. ۱۲۷۷ق.)، به کوشش قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش؛ *السیرة النبویه*: ابن هشام (م. ۸-۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ شرح *نهج البلاغه*: ابن ابی‌الحدید (م. ۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ *شفاء الغرام*: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش مصطفی محمد، مکه، النهضة الحدیثه، ۱۹۹۹م؛ *الطبقات الکبری*: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ *کعبه و جامه آن از آغاز تا کنون*: محمد الدقن، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ش؛ *مرآة الحرمین*: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ *مروج الذهب*: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ *المسالك والممالک*: ابوعبید البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش ادربان فان لیوفن و اندری فیری، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ *مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی*: عبیدالله محمد امین کردی، ترجمه: صابری، مشعر، ۱۳۸۰ش؛ *مناجح الکرم فی اخبار مکه*: علی بن تاج‌الدین السنجاری (م. ۱۱۲۵ق.)، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۱۹ق؛ *مناقب آل ابی‌طالب*: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ *المنتظم*: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ *مواهب الجلیل*: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ *میقات حج*